

دادرسی بارنگ ولعاب کودکانه

درباره چگونگی فعالیت دادگاه ویژه افراد کمتر از ۱۸سال در مشهد که «دوستدار کودک» است

**گزارش
روز**



روزنامه‌نگار
آناهیتا کیم

ساختمانی درست در وسط پارک، تاب و سرسره دارد و بچه‌هایی خیال از همه دنیا، سرشان به بازی کردن گرم است. آن بیرون، مادر و پدرها در رفت‌وآمدند. در طبقه همکف و ورودی مجتمع، یک نمایشگاه برپاست؛ از آن‌هایی که هم‌بوی غذاهای خانگی‌شان به مشام می‌رسد هم‌بوی عطرشان. سقف و دیوار طبقات، رنگی شده است با شرشره‌های زیبا. میز و صندلی‌هایی با اندازه کودک و فضا‌های کوچکی برای بازی. روی دیوارها نقاشی چسبانده‌اند و یک دیوار آرزو هم دارند. آثار بچه‌ها جابه‌جا روی زمین و دیوار خودنمایی می‌کند. گاهی یک بچه داخل سالن می‌دود تا خودش را برساند به اسباب‌بازی‌ها. نوجوان‌ها هم هستند. فضا آرامش‌وراحتی مخصوص به خودش دارد. از جنس احساس خوشبختی نیست اما نگرانی مضاعف و دلشوره هم نمی‌آورد. این تصویر ساختمانی است که دادگاه کودکان و نوجوانان زیر هجده سال در آن اداره می‌شود. حدود چهار ماهی از نقل مکان شعبه‌های رسیدگی به پرونده این گروه سنی به این ساختمان می‌گذرد. تقریباً همه چیز با توجه به مخاطب، طراحی شده است. از در و دیوارهایی که برای فضای کودکانه در نظر گرفته شده است تا دادگاه‌هایی مخصوص آن‌ها، با میزهای کوتاه و رنگی. قضاتی که برای امر قضات پرونده‌های زیر هجده ساله‌ها آموزش دیده‌اند و حامیانی که در اتاق‌های دیگر نشسته‌اند تا نگذارند کودک، بی‌پناه و بلا تکلیف به جامعه بازگردد. گزارش امروز گفت‌وگویی با نایب‌ر عابدین زاده، معاون دادستان مرکز استان و سرپرست مجتمع قضایی حمایتی شوق زندگی، است و روایت یک جلسه دادرسی.

این‌ها کارشناسی شده است. قبل از شروع به‌کار رسمی، جلسات مطالعاتی بین رشته‌ای را با حضور استادان دانشگاه فردوسی برگزار کردیم، حتی تابلوهای داخل سالن را هم طراحی کردیم تا نوشته‌هایی باشد برای امیدبخشی. نباید به‌کودک انگ بزینم و باید حرفش را گوش کنیم. در چنین محیطی او بیشتر با ما حرف می‌زند.

همچنین برای تغییر روحیه همکارانمان، به زیرساخت قانونی نیاز داشتیم که وجود نداشت و تاحدی با آموزش آن را ایجاد کردیم. نیروی انتظامی هم باید در مواجهه با این کودکان و نوجوانان، قواعدی را رعایت می‌کرد، در غیراین صورت کار من سخت می‌شد و آن وقت من چطور می‌توانستم دادرسی دوستدار کودک داشته باشم؟ برای این بخش نیز منشور هجده بندی حقوق اطفال و کودکان راتهیپ کردم که اکنون در پیش از ۹۰ درصد کالنتری‌های مشهد، مقابل دید مراجعان نصب شده است. کودک باید به عدالت درکشورش اعتماد کند؛ به همین دلیل نامی که برای مجتمع انتخاب کردیم، عنوان دادگاه را ندارد و «شوق زندگی» است که حروف ابتدایی جمله «شهر و قابلیت‌های زیبای نهاد‌های مردمی درگسترش باگیری اجتماعی» است. این مجتمع ویژه امور اطفال، نوجوانان و آسیب‌دیدگان اجتماعی و مه‌جوران است. اطفال و نوجوانان در قسمت دادگاه‌ها و بزه‌کاری مستند و قسمت دیگر مربوط به بزه دیدگی است. دادگاه خانواده هم داریم. درواقع هرچه به‌کودک ربط داشته است، اینجا کنار هم آورده‌ایم. آموزش و پرورش، بهزیستی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و دانشگاه علوم پزشکی هم در این ساختمان نماینده دارند.

در بررسی پرونده‌ها، تنها به دنبال اثبات جرم می‌گردید؟

بله؛ از آنجاکه نگاهمان اصلاح‌گری اساسی بود، واحد «تشکیل پرونده شخصیت» را برای اطفال و نوجوانان راه‌اندازی کردیم. در قانون این موضوعات هم پیش‌بینی شده است اما در انجام آن ضعف داریم. فرمی راتهیپ کردیم که هر فرزندی که اینجا پرونده دارد، باید پرونده شخصیت هم داشته باشد. این پرونده پاسخگوی این سؤال است که مثلاً چرا فرزندی در پانزده سالگی مرتکب این همه خشونت شده است. روان‌شناس و مددکار اجتماعی اول با کودک یا نوجوان ارتباط می‌گیرند. یعنی بدون قضاوت به چرایی می‌پردازند و نتیجه را روی میز قاضی می‌گذارند. نام آن بخش را هم «سایبان امید» گذاشتیم؛ امید به برگشت به جامعه و مهرورزی. به مرحله بعد سراغ چرایی نبود وکیل در کنار کودکان رتیم، تصمیم‌گرفتم

به آن‌ها جایگاه بدهیم. بگروهی از وکلا آموزش دادیم و نام بخش آن‌ها را هم «سایبان سیوا» گذاشتیم؛ این یعنی بچه حامی دارد.

وقتی شخصیت کودک را با کمک روان‌شناس و روان‌پزشک تحلیل کرده‌اید و قاضی هم توجیه است، نقش وکیل چیست؟

مطابق قانون چون کودک سن قانونی ندارد، باید با سرپرست قانونی یا وکیل در جلسه حضور یابد اما معمولاً این کودکان یا سرپرست قانونی ندارند یا سرپرستان، آگاهی و تأثیرگذاری لازم را ندارند. در چنین شرایطی، وکیل تسخیری رایگان، کنار او قرار می‌گیرد. آنچه برای ما بسیار مهم بود، ارتباط دادن بین بخش بزه‌کاری بسیار و بزه دیدگی اندک بود. وقتی «پرونده شخصیت» تشکیل شد، اعضای تیم صلح‌وسازش هم میانجیگری می‌کنند. درواقع این کارها برای آن است که فقط یک مجازات تنها نباشد و کودک رابه جامعه برگرداند.

پس در این فرایند به آن شکل سنتی دادگاه نداریم؟

البته دادگاه هم داریم. درحقیقت ما به دو نوع پرونده در این مجتمع رسیدگی می‌کنیم؛ بخشی از پرونده‌ها مستقیم به دادگاه می‌رود. پرونده کودکان زیر پانزده سال مستقیم به دادگاه می‌رود، رسیدگی یک مرحله‌ای دارد و جرائمی که شامل مسائل غیراخلاقی است. اما پرونده نوجوانان بین پانزده تا هجده سال، اول به دادسرا می‌آید و اگر کیفرخواست خورد، به دادگاه ارجاع داده می‌شود.

چرا زیر پانزده ساله‌ها زود به مرحله دادگاه می‌رسند؟

این پیش‌بینی قانون است. پرونده نوجوانان پانزده تا هجده ساله پردازش و به دادگاه فرستاده می‌شود. ممکن هم هست منع تعقیب بخورد. خیلی از پرونده‌ها در این مرحله بسته می‌شود. آن‌ها که مجرم تشخیص داده شوند، به دادسرا می‌روند. واحد میانجیگری ما کارهای خوبی انجام داده است. همکاران این واحد تلاش می‌کنند از فرد آسیب‌دیده رضایت بگیرند یا میزان دیه را کمتر کنند. گاهی هم خی‌ران پرداخت آن را برعهده می‌گیرند تا کودک راهی زندان نشود؛ به عنوان نمونه میزان خسارت را از ۲۰۰ میلیون به ۵۰ میلیون تومان کاهش داده‌اند.

با این همه کاری که انجام می‌دهید، کودکانی که در فضای آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند، ممکن است برگردند؟

اگر تیم ما تشخیص بدهد که کودک در محیط آسیب‌پذیری قرار دارد، در شعبه ۸ دادیاری، پرونده بزه دیدگی برایش تشکیل می‌شود، برایش نظارت تعیین و از دیدگاه حمایتی به موضوع نگاه می‌کنیم. براساس ماده ۴۴ قانون حمایت از اطفال، شبکه ناظرانی

از فعالان اجتماعی شهر داریم که داوطلبانه و رایگان، ناظر حقوق کودک هستند.

کارهایی که شما انجام می‌دهید، خوراک پژوهش‌های دانشگاهی است؟

بله؛ اتفاقاً دوسه نمونه پژوهش انجام شده است.

ورودی پرونده‌های معارض قانون به مجموعه، چقدر است؟

ورودی به دادسرای اطفال و نوجوانان، متفاوت است. اما در سه ماهه اول امسال، ورودی هرماه در بخش دادسرا حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ پرونده و در دادگاه‌ها هم همان حدود بوده است.

کودک‌ترین کودکی که در مجتمع شما پرونده دارد، چندساله است؟

ما نوزاد یک روزه هم داریم؛ همان‌ها که این طرف و آن طرف شهر رها شده‌اند. اینجا یک شیرخوارگاه کوچک و پرستار داریم و نیازی نیست نوزادان به شیرخوارگاه دیگری فرستاده شوند. نوزاد، اینجا می‌ماند تا موقت به یک خانواده امین سپرده شود. اکنون فرایند رگسترش داده و آسان کرده‌ایم و احکام هم از قبل حاضر است تا نوزاد و خانواده معطل نشوند. به این ترتیب، نوزادان در کمتر از یک ساعت به خانواده‌های متقاضی سپرده می‌شوند. همه تلاش‌م این است که دانه به دانه مراکز سامان دهی بچه‌ها را کمتر و مفیدتر کنیم.

رنگ اتاق‌ها را بر اساس اصل آرام‌بخش بودن برای قاضی، کودک و نوجوان انتخاب کرده‌ایم. میز قضات را رنگ سفید زدیم تا نماد صلح باشد؛ یعنی من بر تو خشمی ندارم. این تغییر دیدگاه درباره فضای دادگاه، مقداری سخت بود

به طور کلی کودکان زیر سن بلوغ، مسئولیت‌کفری ندارند؛ یعنی پرونده‌های موجود ما مربوط به دختران با سن بیش از ۹ سال و پسران با سن بیشتر از پانزده سال تمام قمری است.

اگر شاکی داشته باشند، چطور؟

در این صورت هم، اقداماتشان مجرمانه نیست. ممکن است در نهایت تذکر بدهیم یا تعهد بگیریم. اما درباره پرونده افراد بالای سن بلوغ، قضات مجتمع اطفال و نوجوانان بر اساس اصول و قواعد دادرسی افتراقی، تصمیم می‌گیرند که البته بر مبنای قواعد مرتبط با اطفال و نوجوانان در قانون دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است.

بیشترین بزه‌ی که بچه‌ها مرتکب آن می‌شوند، چیست؟

بیشترین ورودی پرونده‌های دادگاه، یعنی حدود نیمی از آن‌ها، رانندگی بدون گواهی‌نامه است که اغلب با تصادف کرده‌اند یا به خاطر جثه کوچکشان، به دست نیروی انتظامی، مشاهده و متوقف شده‌اند. متأسفانه سرقت تلفن همراه، شرب خمر و ضرب و جرح عمدی هم زیاد است که نشانه خشونت فراوان



در جامعه است. درباره شرب خمر هم مرتکبان، تحت تأثیر گروه هم سالان بوده‌اند که نه از حرام بودن آن اطلاعی داشته‌اند نه از مجازاتش. بارها گفته‌ام چرا برای رانندگی بدون گواهی‌نامه، جریمه تعیین کرده‌اید؟ چ‌کسی جریمه رامی‌دهد؟ والدین. ماشین که از توقیف خارج می‌شود، دوباره همان فرزند پشت فرمانش می‌نشیند. تلاش کردم کاری بکنند که این کودکان به جای پرداخت جریمه، دوره آموزشی بگذرانند. در طول سه ماه، ششصد پرونده رانندگی داشتیم که همه هم تکراری هستند. باید با سن صدور گواهی‌نامه راکاهش دهیم یا قاعده راتغییر بدهیم.

برنامه‌های آینده مجتمع درباره حقوق کودک و نوجوان چیست؟

آنچه شاید برایمان در اولویت باشد، این است که موضوع کودک و نوجوان را در ذهن مسئولان شهر، اولویت ببخشیم. بسیاری از مدیران اصلاً دغدغه کودکان را ندارند. درحالی‌که ماده ۲۷ قانون حمایت می‌گوید هر یک از مسئولان یا کارکنان نهاد‌های حکومتی یا دستگاه‌های اجرایی که از انجام وظایف مقرر در این قانون امتناع کنند، به انفصال از خدمات دولتی و عمومی درجه ۵ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند؛ یعنی تا پنج سال هم حبس دارد. همه دستگاه‌ها به حکم قانون، باید به نفع کودکان کار کنند. اگر این‌ها به این گروه سنی، اوقات فراغت، تفریح و هیجان‌اناشان توجه کنند، یعنی برای آینده کشور تلاش می‌کنند، ولی هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم. برای خیلی‌ها فقط رفع بحران‌های فوری شهر اولویت دارد، در صورتی‌که باید نگاهمان به ده‌ها سال آینده کشور باشد.

یکی از مسائل مهم این است که در حوزه بزه دیدگی کودکان و نوجوانان معارض قانون، برنامه ریزی کنیم. به دنبال گروهی هستم که بتوانند کار توانمندسازی این کودکان را برعهده بگیرند، برای پسران و دختران برنامه نویسی و کار کنند، اشتغال ایجاد کنند، مشاوره تحصیلی و انگیزه و امید به زندگی بدهند. یکی از برنامه‌های دیگرمان، این است که بتوانیم مناطقی را که جرم در آنجا شیوع دارد، برای اجرای برخی برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، آماده کنیم.

عمدی در کار بود که در این منطقه از شهر این مجتمع را راه‌اندازی کرده‌اید؟

ما جرابرمی‌گردد به چهار سال پیش؛ من معاون دادستان در امور سرپرستی بودم و دادگاه کودک و نوجوان هم در دادگاه انقلاب، مستقر بود. از دادستان خواستم برای اولین قدم، محل دادگاه این گروه سنی راتغییر دهیم اما دادگستری ساختمان دیگری داشت؛ برای همین رتقم سراغ شهردار وقت. آقای کلانی، پیشنهاد ساختمان دیگری هم دادند ولی من می‌دانستم که دسترسی این ساختمان برای افراد طبقه پایین، سهولت دارد. فضای پارک، لذت بخش و نصب وسایل شهریازی هم خیلی مؤثر بود. در این منطقه جرائم زیاد بود اما با وجود مجموعه و حضور زیاد بچه‌ها و خانواده‌ها، اکنون به شدت کاهش پیدا کرده است. کارکنان فضای پارک هم انگار مراقب کودکان این مرکز هستند. مجموعه ما، مجرمان را دور و منطقه را امن‌تر کرده است. تلاش می‌کنیم همه افراد این مجموعه و افراد مرتبط با آن، اول یک مددکار اجتماعی باشند. درست است که روایت‌های تلخی به مجتمع شوق زندگی منتقل می‌شود، ولی ما سعی می‌کنیم از رفتار و برخورد مان، خاطره خوبی برای مردم بسازیم.

هدف، بازگشت به جامعه است

پرونده شخصیت یادآوری می‌کند: تشکیل این پرونده به معنی این است که بگوییم درست است که نوجوان معارض قانون، دست به بزه‌کاری زده، اما او به نوعی بزه دیده است؛ از نظر جایگاه خانواده، محله و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند. درحقیقت او به دنبال سهل‌انگاری سرپرستانش، آسیب دیده است. به‌کارگرفتن کودک، مانع شدن اواز تحصیل و بسیاری موارد دیگر، مصداق جرم است. کودک و نوجوانی که در آغوش خانواده نباشد، به آغوش رفیق و اعتیاد گرفتار خواهد شد.

عابدین زاده درباره تفاوت رسیدگی به پرونده‌های زیر ۱۸ در دادگاه انقلاب و ساختمان کنونی می‌گوید: در گذشته، لایه لای رسیدگی به پرونده بزرگ سالان به این گروه هم می‌پرداختیم اما هدف اینجا، رسیدگی تخصصی و توجه به این گروه با فراغ بال بیشتر است و اینکه به نهاد‌های حمایتی هم پرداخته شود. اینجا نمایندگان سازمان‌های مرتبط با کودک و نوجوان حضور دارند. او بر این نکته هم تأکید می‌کند که در این ساختمان، تنها رسیدگی قضایی مطرح نیست. هدف، بازگشت به جامعه است و اصلاح پذیری. شاید بتوانیم از جرائم هنوز مرتکب نشده نوجوان هم پیشگیری کنیم. همه

**خرده
روایت**

نزاعی که میان چند جوان در یکی از محلات حاشیه شهر رخ داده، با داد و فریادهای نوجوانی که چاقو خورده است، خاتمه پیدا می‌کند. این ماجرای یک سال و اندی پیش است. مدت‌ها بعد، آن‌که آسیب دیده، راهی دادگاه شده و از همه بچه‌های محل، شکایت کرده است. حالا نوجوان‌هایی که او در پرونده نام برده است، به مجتمع شوق زندگی احضار شده‌اند. چهار نفر بیرون دادگاه منتظرند تا بازپرس صدایشان کند. اول آن کسی وارد می‌شود که شاکی ادعا کرده ضربه چاقو را زده است؛ نوجوانی متولد سال ۸۶ که نه روز تولدش را به خاطر دارد، نه ماه آن را. ترک تحصیل کرده و شاگرد یک نجاری است، با ماهی ۵ میلیون تومان حقوق و روزی دوازده ساعت کار.

بازپرس از چندوچون کار می‌پرسد و بعد می‌رود سراغ وضعیت خانواده‌اش. تعداد خواهر و برادرها و اینکه چطور زندگی می‌گذرانند. از هدف آینده اش می‌پرسد و انتخاب شغل. سؤالات مختلف سبب می‌شود نوجوان آرام‌تر شود. حالا نوبت پرسیدن ماجرای دعوا و نقش اوست. همه را انکار می‌کند؛ هم نزاع و هم چاقو زدنش را. بازپرس باهمان آرامش و کلمات شمرده، تلاش می‌کند او را به گفتن حقیقت وادار کند. حتی بخشی از ادعای شاکی را برای او می‌خواند. جلسه حدود نیم ساعتی طول می‌کشد و با امضای نوجوان و قرار وثیقه سند، فعلاً آزاد می‌شود تا جلسه بعد. آن‌ها که بیرون در انتظارند، هم یکی یکی وارد می‌شوند. ادعاهای خود را می‌گویند و با اجازه بازپرس راهی می‌شوند. خبری از داد و بی‌داد یا توهین و تشر زدن نیست. صدای کسی در این اتاق بلند



می‌دانیم که زندان، روشی برای تأدیب نیست و اکنون هم نوعی زندان است اما باعث اصلاح پذیری نمی‌شود. ممکن است اثر تأدیبی موقت داشته باشد اما کودک یا نوجوان در آن اصلاح نمی‌شود. هدف ما از سپردن موقت نوجوان به کانون، این است که او بداند همیشه محل امن خانواده برایش مهیا نیست. به گفته وی، نوجوانی سنی است که فرزند با کمک و همراهی اصلاح می‌شود. آن‌ها اغلب تحت تأثیر دوستانشان هستند و آمار بازگشت به زندگی عادی در این سن زیاد است اما وقتی بالای بیست سال هستند، تغییر دادن و بازگرداندن آن‌ها سخت می‌شود.

